



چراغ سبز بورس پس از دو ماه جنگ

«آرمان ملی» از بازگشایی بازار سرمایه گزارش می دهد

صورت بندی درست مسأله این است: بحران هدررفت منابع در ایران، بحران نبود سیاست گذاری اصولی، تنظیم گری مؤثر، نبود سنجه های الزام آور و نبود پیوند میان قیمت، فناوری و نظارت است. ما متأسفانه به مزیت های اقتصادی کشور از قبیل: نفت، گاز و صنایع پائین دستی آن، تجارت بین المللی، اقتصاد دریایی، ترانزیت، گردشگری، انرژی های تجدید پذیر، بی توجه بوده ایم و به فرسایش خاک و منابع آبی خود برای ایجاد درآمد از بخش کشاورزی رو آورده ایم. قیمت پایین انرژی و اعطای یارانه های گسترده و کور، سیگنال غلط به مصرف و سرمایه گذاری می دهد؛ تجهیزات فرسوده راندمان را پایین می آورد و با این فرمان، سیستم به جای اصلاح، فقط بزرگ تر و پرشتی تر می شود. بسیاری بدبختی است این نارسائی ها محصول و معلول نوع حکمرانی و سیاست گذاری های ما بوده که تبدیل به روزمره زندگی دولت و مردم شده است. استمرار یا تغییر این شرایط، صرفاً زمانبندی سیاست گذاری در نحوه مدیریت بخش های اقتصادی، بهره وری، نفت و گاز، ساختمان، حمل و نقل، کشاورزی، مدیریت آب، برق، سوخت و... است و اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی بیش از آنکه در انتهای زنجیره، بین مردم عادی، ترویج همگانی شود، نیازمند مدیریت و راهبری اصولی و بهینه در ابتدای زنجیره توسط اجزای دولت است. اولین گام، تغییر زاویه دید است: سیاست گذار باید «اتلاف منابع» را یک مسأله امنیت اقتصادی و حکمرانی بداند، نه صرفاً یک مسأله فرهنگی. معنای عملی این حرف آن است که برای هر بخش، سقف اتلاف، شاخص رسمی و گزارش دهی عمومی تعیین شود. فرسوسازی، تلفات شبکه برق، آب بدون درآمد، تلفات پس از برداشت، شدت انرژی ساختمان ها و مصرف ویژه آب در هر محصول کشاورزی و مسائل دیگر، باید مثل تورم و رشد اقتصادی، شاخص ملی و علنی داشته باشد. تا زمانی که چیزی سنجیده نشود، جدی گرفته نمی شود و قابل ارزیابی و نظارت هم نیست. موضوعی که به نظر می رسد تاکنون مغفول واقع شده است ایران برخورد ار از نفت، گاز، آفتاب، زمین و نیروی انسانی، در حال فرسودن همان پایه های مادی امنیت و توسعه خود است. بحران فرسایش منابع، اگرچه یک هشدار جدی است، اما می تواند فرصتی برای بازسازی ساختارهای ناکارآمد باشد. اگر بتوانیم با تکیه بر قوانین موجود و با ایجاد یک جبهه واحد ملی، مدیریت منابع را از حالت «واکنشی» به حالت «پیشگیرانه» تغییر دهیم، نه تنها از هدررفت جلوگیری می کنیم، بلکه «بهره وری» را به موتور محرک جدید اقتصاد تبدیل خواهیم کرد. پس اگر قرار است از «جهاد صرفه جویی» سخن گفته شود، سنگر اول آن نه فقط آشپزخانه و کولر و بخاری خانه مردم، بلکه پالایشگاه، نیروگاه، جاده کشاورزی، شبکه آب، پوسته ساختمان، استانداردهای تجهیزات، الگوی کشت و نظام قیمت گذاری و سایر مسائل حکمرانی است. صرفه جویی در معنای واقعی اش کم مصرف کردن نیست؛ درست مصرف کردن است و درست مصرف کردن، پیش از همه، وظیفه نظام حکمرانی است که باید با قانون، قیمت، فناوری و نظارت، اتلاف را برای همه بازیگران پرهزینه کند.

سیاست گذاری اصولی؛ نه شکاری

ادامه یادداشت / «فرسایش و هدررفت منابع» دیگر تنها یک موضوع زیست محیطی نیست، بلکه یک تهدید استراتژیک برای امنیت ملی و پایداری اقتصادی کشور محسوب می شود.

در ایران، بحران نبود سیاست گذاری اصولی، تنظیم گری مؤثر، نبود سنجه های الزام آور و نبود پیوند میان قیمت، فناوری و نظارت است. ما متأسفانه به مزیت های اقتصادی کشور از قبیل: نفت، گاز و صنایع پائین دستی آن، تجارت بین المللی، اقتصاد دریایی، ترانزیت، گردشگری، انرژی های تجدید پذیر، بی توجه بوده ایم و به فرسایش خاک و منابع آبی خود برای ایجاد درآمد از بخش کشاورزی رو آورده ایم. قیمت پایین انرژی و اعطای یارانه های گسترده و کور، سیگنال غلط به مصرف و سرمایه گذاری می دهد؛ تجهیزات فرسوده راندمان را پایین می آورد و با این فرمان، سیستم به جای اصلاح، فقط بزرگ تر و پرشتی تر می شود. بسیاری بدبختی است این نارسائی ها محصول و معلول نوع حکمرانی و سیاست گذاری های ما بوده که تبدیل به روزمره زندگی دولت و مردم شده است. استمرار یا تغییر این شرایط، صرفاً زمانبندی سیاست گذاری در نحوه مدیریت بخش های اقتصادی، بهره وری، نفت و گاز، ساختمان، حمل و نقل، کشاورزی، مدیریت آب، برق، سوخت و... است و اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی بیش از آنکه در انتهای زنجیره، بین مردم عادی، ترویج همگانی شود، نیازمند مدیریت و راهبری اصولی و بهینه در ابتدای زنجیره توسط اجزای دولت است. اولین گام، تغییر زاویه دید است: سیاست گذار باید «اتلاف منابع» را یک مسأله امنیت اقتصادی و حکمرانی بداند، نه صرفاً یک مسأله فرهنگی. معنای عملی این حرف آن است که برای هر بخش، سقف اتلاف، شاخص رسمی و گزارش دهی عمومی تعیین شود. فرسوسازی، تلفات شبکه برق، آب بدون درآمد، تلفات پس از برداشت، شدت انرژی ساختمان ها و مصرف ویژه آب در هر محصول کشاورزی و مسائل دیگر، باید مثل تورم و رشد اقتصادی، شاخص ملی و علنی داشته باشد. تا زمانی که چیزی سنجیده نشود، جدی گرفته نمی شود و قابل ارزیابی و نظارت هم نیست. موضوعی که به نظر می رسد تاکنون مغفول واقع شده است ایران برخورد ار از نفت، گاز، آفتاب، زمین و نیروی انسانی، در حال فرسودن همان پایه های مادی امنیت و توسعه خود است. بحران فرسایش منابع، اگرچه یک هشدار جدی است، اما می تواند فرصتی برای بازسازی ساختارهای ناکارآمد باشد. اگر بتوانیم با تکیه بر قوانین موجود و با ایجاد یک جبهه واحد ملی، مدیریت منابع را از حالت «واکنشی» به حالت «پیشگیرانه» تغییر دهیم، نه تنها از هدررفت جلوگیری می کنیم، بلکه «بهره وری» را به موتور محرک جدید اقتصاد تبدیل خواهیم کرد. پس اگر قرار است از «جهاد صرفه جویی» سخن گفته شود، سنگر اول آن نه فقط آشپزخانه و کولر و بخاری خانه مردم، بلکه پالایشگاه، نیروگاه، جاده کشاورزی، شبکه آب، پوسته ساختمان، استانداردهای تجهیزات، الگوی کشت و نظام قیمت گذاری و سایر مسائل حکمرانی است. صرفه جویی در معنای واقعی اش کم مصرف کردن نیست؛ درست مصرف کردن است و درست مصرف کردن، پیش از همه، وظیفه نظام حکمرانی است که باید با قانون، قیمت، فناوری و نظارت، اتلاف را برای همه بازیگران پرهزینه کند.

صورت بندی درست مسأله این است: بحران هدررفت منابع در ایران، بحران نبود سیاست گذاری اصولی، تنظیم گری مؤثر، نبود سنجه های الزام آور و نبود پیوند میان قیمت، فناوری و نظارت است. ما متأسفانه به مزیت های اقتصادی کشور از قبیل: نفت، گاز و صنایع پائین دستی آن، تجارت بین المللی، اقتصاد دریایی، ترانزیت، گردشگری، انرژی های تجدید پذیر، بی توجه بوده ایم و به فرسایش خاک و منابع آبی خود برای ایجاد درآمد از بخش کشاورزی رو آورده ایم. قیمت پایین انرژی و اعطای یارانه های گسترده و کور، سیگنال غلط به مصرف و سرمایه گذاری می دهد؛ تجهیزات فرسوده راندمان را پایین می آورد و با این فرمان، سیستم به جای اصلاح، فقط بزرگ تر و پرشتی تر می شود. بسیاری بدبختی است این نارسائی ها محصول و معلول نوع حکمرانی و سیاست گذاری های ما بوده که تبدیل به روزمره زندگی دولت و مردم شده است. استمرار یا تغییر این شرایط، صرفاً زمانبندی سیاست گذاری در نحوه مدیریت بخش های اقتصادی، بهره وری، نفت و گاز، ساختمان، حمل و نقل، کشاورزی، مدیریت آب، برق، سوخت و... است و اصلاح الگوی مصرف و صرفه جویی بیش از آنکه در انتهای زنجیره، بین مردم عادی، ترویج همگانی شود، نیازمند مدیریت و راهبری اصولی و بهینه در ابتدای زنجیره توسط اجزای دولت است. اولین گام، تغییر زاویه دید است: سیاست گذار باید «اتلاف منابع» را یک مسأله امنیت اقتصادی و حکمرانی بداند، نه صرفاً یک مسأله فرهنگی. معنای عملی این حرف آن است که برای هر بخش، سقف اتلاف، شاخص رسمی و گزارش دهی عمومی تعیین شود. فرسوسازی، تلفات شبکه برق، آب بدون درآمد، تلفات پس از برداشت، شدت انرژی ساختمان ها و مصرف ویژه آب در هر محصول کشاورزی و مسائل دیگر، باید مثل تورم و رشد اقتصادی، شاخص ملی و علنی داشته باشد. تا زمانی که چیزی سنجیده نشود، جدی گرفته نمی شود و قابل ارزیابی و نظارت هم نیست. موضوعی که به نظر می رسد تاکنون مغفول واقع شده است ایران برخورد ار از نفت، گاز، آفتاب، زمین و نیروی انسانی، در حال فرسودن همان پایه های مادی امنیت و توسعه خود است. بحران فرسایش منابع، اگرچه یک هشدار جدی است، اما می تواند فرصتی برای بازسازی ساختارهای ناکارآمد باشد. اگر بتوانیم با تکیه بر قوانین موجود و با ایجاد یک جبهه واحد ملی، مدیریت منابع را از حالت «واکنشی» به حالت «پیشگیرانه» تغییر دهیم، نه تنها از هدررفت جلوگیری می کنیم، بلکه «بهره وری» را به موتور محرک جدید اقتصاد تبدیل خواهیم کرد. پس اگر قرار است از «جهاد صرفه جویی» سخن گفته شود، سنگر اول آن نه فقط آشپزخانه و کولر و بخاری خانه مردم، بلکه پالایشگاه، نیروگاه، جاده کشاورزی، شبکه آب، پوسته ساختمان، استانداردهای تجهیزات، الگوی کشت و نظام قیمت گذاری و سایر مسائل حکمرانی است. صرفه جویی در معنای واقعی اش کم مصرف کردن نیست؛ درست مصرف کردن است و درست مصرف کردن، پیش از همه، وظیفه نظام حکمرانی است که باید با قانون، قیمت، فناوری و نظارت، اتلاف را برای همه بازیگران پرهزینه کند.

رهبر انقلاب:
استمرار قدرت ایران نسبت مستقیمی با مسئله افزایش جمعیت دارد
 آرمان ملی: رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ به نامه ابراز محبت و تسلیت جمعی از فعالان مردمی حوزه جمعیت به مناسبت شهادت قائد عظیم الشأن انقلاب اسلامی (ره) به مسأله افزایش جمعیت و نسبت آن
 صفحه ۲

«آرمان ملی» از تهدیدهای اخیر رئیس جمهور آمریکا گزارش می دهد
لفاظی های تکراری ترامپ
 همین صفحه
 «آرمان ملی» مخالفت تند روها با مذاکره کنندگان را بررسی می کند
تسویه حساب سیاسی؛ منافع جناحی
 آرمان ملی: منافع ملی حلقه گمشده ای در رویکردها، اهداف و منویات آنها است و به تنها چیزی که نمی اندیشند همین مفهوم است که زیربنای همه چیز است. سخن در باب تندروها و دلواپسانی است که همواره برای کشور هزینه ساز بوده و ایجاد خسارت کرده اند. همان هایی که جز تفکرات و
 صفحه ۲

کوروش احمدی در گفت و گو با «آرمان ملی»:
راهی جز مذاکره وجود ندارد
 صفحه ۲

یادداشت
سیاست گذاری اصولی؛ نه شکاری
 حسین امامی راد
 نماینده چناران، طربقه، شاندیز و گلپهار در مجلس
 در حالی که اقتصاد جهانی با چالش های تغییرات اقلیمی و محدودیت منابع دست و پنجه نرم می کند، ایران با وضعیتی پیچیده تر روبرو است. تلاقی فشار ناشی از تحریم ها، نوسانات ارزی و ساختار سنتی مدیریت منابع، ما را در موقعیتی قرار داده که ...
 ادامه در همین صفحه

سخن روز
ثبات اقتصادی به نفع ملت
 مهدی بازوکی
 کارشناس مسائل اقتصادی
 جامعه به لحاظ اقتصادی در شرایط بغرنجی قرار گرفته و اکنون بزرگترین مشکلی که زندگی مردم خصوصاً اقشار بدست راد معرض خطر قرار داده نرخ فراینده تورم است که جزء عوارض جنگ و تحریم های ناجوانمردانه است. بنابراین دولت باید همه هم و غم خود را ...
 صفحه ۲

«آرمان ملی» از تهدیدهای اخیر رئیس جمهور آمریکا گزارش می دهد

لفاظی های تکراری ترامپ

رهبر انقلاب:
استمرار قدرت ایران نسبت مستقیمی با مسئله افزایش جمعیت دارد
 آرمان ملی: رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ به نامه ابراز محبت و تسلیت جمعی از فعالان مردمی حوزه جمعیت به مناسبت شهادت قائد عظیم الشأن انقلاب اسلامی (ره) به مسأله افزایش جمعیت و نسبت آن
 صفحه ۲

«آرمان ملی» مخالفت تند روها با مذاکره کنندگان را بررسی می کند
تسویه حساب سیاسی؛ منافع جناحی
 آرمان ملی: منافع ملی حلقه گمشده ای در رویکردها، اهداف و منویات آنها است و به تنها چیزی که نمی اندیشند همین مفهوم است که زیربنای همه چیز است. سخن در باب تندروها و دلواپسانی است که همواره برای کشور هزینه ساز بوده و ایجاد خسارت کرده اند. همان هایی که جز تفکرات و
 صفحه ۲